

Identifying factors affecting the resilience of divorced women and guardians of children: a qualitative research

Abstract

The present study was conducted with the aim of qualitatively identifying and explaining the factors affecting the resilience of divorced women who have accepted the custody of their children. The research community included all women under the support of welfare centers and aid committee of Firuzabad city in 1400. Using the purposeful sampling method, the purposeful sampling was continued until saturation (10 resilient divorced women). The research was conducted qualitatively using a phenomenological approach. Using a semi-structured interview, information related to the sample was collected, and after analyzing the content of the interviews and their final coding using thematic analysis method, three main indicators were extracted in resilient divorced women: 1- individual factors, 2- supportive factors, and 3- factors The presence of a child. The results showed that individual factors include cognitive self-regulation, behavioral self-regulation, spiritual-religious strategies and personality traits. Supporting factors include family support and social support, and the last core category, which is the presence of children, includes themes such as creating meaning in the presence of children and focusing on the role of parents, which are considered to be effective factors in the resilience of divorced women with the presence of children. The present research helps to understand the experience of resilience of divorced women and guardians of children, as well as the design of specific interventions to facilitate their resilience.

Keywords: Resilience, divorced women, a qualitative research

شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزندان: یک پژوهش کیفی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین کیفی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه که حضانت فرزندان را نیز قبول کرده اند، انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه زنان تحت حمایت مراکز بهزیستی و کمیته امداد شهرستان فیروزآباد در سال ۱۴۰۰ بود. با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند از میان جامعه مذکور نمونه‌گیری تا حد اشباع (۱۰ زن مطلقه تاب‌آور) ادامه یافت. پژوهش به صورت کیفی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسانه انجام شد. استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته اطلاعات مرتبط با افراد نمونه جمع‌آوری شدند و پس از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و کدگذاری نهایی آن‌ها به روش تحلیل مضمون، سه شاخص اصلی در زنان مطلقه تاب‌آور استخراج شد: ۱- عوامل فردی ۲- عوامل حمایتی و ۳- عامل حضور فرزندان. نتایج نشان داد عوامل فردی شامل خودتنظیمی شناختی، خودتنظیمی رفتاری، راهبردهای معنوی-مذهبی و ویژگی شخصیتی است. عوامل حمایتی شامل حمایت خانواده و حمایت اجتماعی است و مقوله هسته‌ای آخر که عامل حضور فرزند است شامل مضامینی از جمله معنا آفرینی حضور فرزند و تمرکز بر نقش والدی است، از عوامل مؤثر در تاب‌آوری زنان مطلقه با حضور فرزندان محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر به شناخت تجربه تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند و همچنین طراحی مداخلات اختصاصی جهت تسهیل تاب‌آوری آن‌ها کمک می‌کند.

کلید واژه‌ها: تاب‌آوری، زنان مطلقه، پژوهش کیفی

۱. مقدمه

اغلب افراد به امید یک رابطه دائمی و مادام‌العمر ازدواج می‌کنند، اما گاهی نتیجه به دلخواه افراد پیش نمی‌رود و با وقوع طلاق این امیدها و انتظارات به پایان می‌رسد (ایو^۱، ۲۰۱۸). از دید اکثر جوامع، طلاق نمادی از شکست و به معنای پایان یافتن ازدواج است. طبق پژوهش‌ها با وقوع طلاق، آسیب‌پذیری افراد به‌ویژه زنان به مشکلات جسمانی و روان‌شناختی تا دو برابر افزایش می‌یابد (هیکال و لاتپون^۲، ۲۰۲۰؛ گاهلر^۳، ۲۰۰۶). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که دوره پس از طلاق برای زن به دلیل تعصبات اجتماعی نسبت به زنان، فشار خانواده و محیط پس از طلاق دوره‌ای دشوار است (دمیرچی اوغلو^۴، ۲۰۰۰؛ آکگل سارپکایا^۵، ۲۰۱۳؛ اوزار و یاکوت‌چاکار^۶، ۲۰۱۲؛ ساناکلی^۷، ۲۰۱۴). بسیاری از زنان برای گذراندن زندگی پس از طلاق احساس اضطراب می‌کنند و دچار فشار روانی شدید، افسردگی، خشم یا کاهش اعتمادبه‌نفس می‌شوند (بلوم^۸، ۲۰۱۸). با وجود تغییر نگرش نسبت به طلاق در جامعه ایران، طلاق برای خانواده‌های ایرانی موقعیتی فشارزا محسوب می‌شود و بازخوردهای اجتماعی منفی به دنبال دارد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۰).

مادری کردن^۹ به‌عنوان یک زن مجرد، یکی از چالش‌های بزرگ زنان طلاق گرفته دارای فرزند است. مادر بودن برای موفق‌ترین، تحصیل‌کرده‌ترین و توانمندترین زنان، حتی با حضور همسر نیز نقشی چالش‌برانگیز است (لوتار و سیسیولا^{۱۰}، ۲۰۱۵). لذا حضور فرزندان در زندگی زنان مطلقه که به تنهایی مراقبان اصلی فرزندان خود هستند، موقعیتی دشوار است. مادران مطلقه علاوه بر این که غالباً از منابع مالی و اقتصادی کمتری بهره‌مند هستند، به دلیل انتظار تربیت فرزند بدون حمایت همسر، اغلب از منابع عاطفی کمتری برخوردار هستند (تایلر و کانگر^{۱۱}، ۲۰۱۷). مادران مطلقه با تعارضاتی از جمله ننگ اجتماعی^{۱۲}، درگیری‌های شخصی، چالش‌های فرزندپروری و تعارض با خانواده‌های خودشان روبه‌رو هستند. معمولاً پس از طلاق مادران به دلیل جدایی از همسر، به‌طور غیرمستقیم دو نقش پدر و مادری را بر عهده می‌گیرند و این امر باعث می‌شود مسئولیت‌های بیشتری را به دوش بکشند و فشار بیشتری بر آن‌ها وارد شود (سیتی رفیع و ساکینا^{۱۳}، ۲۰۱۳؛ محمد^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۹). آسیب‌های مختلف، از مشکلات اقتصادی گرفته تا کاهش بهداشت روانی برای زنان مطلقه دارای فرزند، تجربه‌ای بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده و این مشکلات احتمال بروز ناسازگاری در فرزندان آنان از جمله تمایل به خشونت، اختلالات روان‌شناختی و افت تحصیلی را افزایش می‌دهد (تایلر و کانگر، ۲۰۱۷).

مسائل حضانت، اتخاذ نقش جدید شغلی در خارج از خانه و دور از فرزندان و ترس از آینده کودک، همگی مشکلات زنان پس از طلاق را نشان می‌دهد (پیراک^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۹). در این مواقع، وضعیت و ساختار خانواده تغییر می‌کند و این باعث می‌شود مادران نقش خود را در خانواده باز تعریف کنند و هم به‌عنوان مادر و هم به‌عنوان

1. Eyo, U. E.
2. Haikal, M., & Latipun, L.
3. Gahler M.
4. Demircioglu, N. S.
5. Akgul Sarpkaya, O.
6. Özar, Ş., & Yakut-Çakar, B.
7. Sancaklı, D.
8. Blum, C. A.
9. motherhood
10. Luthar, S. S., & Ciciolla, L.
11. Taylor, Z. E., & Conger, R. D.
12. social stigma
13. Siti Rafiah, A. H., & Sakinah, S.
14. Mohamad, Z., & et al.
15. Pirak, A., & et al.

سرپرست خانواده نقش‌های دوگانه را بازی کنند (نیکولز^۱، ۲۰۱۰؛ دان^۲، ۲۰۱۵). طبق نظریه بحران^۳، با گذر زمان استرس و نگرانی مربوط به طلاق کاهش می‌یابد، اما فشاری دائمی از جمله حضور فرزندان در زندگی زن مطلقه موجب استرس مزمن می‌شود (مورینو^۴ و همکاران، ۲۰۱۷؛ شینال^۵، ۲۰۱۹). مسئولیت و وظایف مادران مطلقه باعث استرس، نگرانی و ناامنی بیشتر شده و این مادران در مقایسه با مادرانی که با همسرشان زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض استرس و افسردگی قرار دارند (چاندا و پوجار^۶، ۲۰۱۸). علاوه بر این پژوهشگران دریافته‌اند که افسردگی می‌تواند به افکار خودکشی در مادران مطلقه همراه شود (مورینو و همکاران، ۲۰۱۷). از این رو به نظر می‌رسد سازگاری‌هایی که معمولاً با این شرایط شخصی و اجتماعی تغییر یافته همراه است، نیاز به آمادگی و ظرفیت لازم برای پذیرش طیف وسیعی از مسئولیت‌های جدید دارد که پیش از این قابل پیش‌بینی نبود (ایشاک^۷ و همکاران، ۲۰۰۹). طبق پژوهش‌ها در دوران پس از طلاق، افراد مطلقه تجارب متفاوتی را گزارش می‌دهند. در حالی که در اولین دوره پس از طلاق، احساساتی پیچیده از جمله ادراک بی‌کفایتی^۸، طرد شدن و از دست دادن حمایت اجتماعی تجربه می‌شود، اما در دوره‌های بعدی احساساتی از جمله خوگیری و افزایش سطح عزت‌نفس دیده می‌شود (آنگل سارپکایا، ۲۰۱۳؛ بون^۹، ۲۰۰۵؛ دمیچی اوغلو، ۲۰۰۰؛ سایان کاراهان^{۱۰}، ۲۰۱۲).

یکی از عوامل مؤثری که می‌تواند بر کاهش مشکلات روان‌شناختی زنان و مادران مطلقه تأثیر بگذارد، تاب‌آوری^{۱۱} است. تاب‌آوری به‌عنوان یک مفهوم، یک صفت، یک فرآیند، یک نتیجه، یا الگوی سیر زندگی مورد تعریف و توجه قرار گرفته است (لوتار^{۱۲}، ۲۰۰۶؛ ماستن و سیچتی^{۱۳}، ۲۰۱۶). تاب‌آوری شامل مجموعه‌ای از تعاریفی است که به پاسخ‌های فرد در شرایط سخت مرتبط است (لازاروس^{۱۴}، ۱۹۹۱). هم‌چنین به توانایی سازگاری، سالم ماندن، استواری و غلبه بر مشکلات زندگی اشاره دارد. تاب‌آوری زمانی است که فرد می‌تواند خود را از یک مرحله مشکل‌ساز و ناپایدار عبور دهد، آن‌ها را پشت سر بگذارد و قادر است از نظر روان‌شناختی، رشد و پیشرفت کند تا فرد بهتری باشد. این عامل می‌تواند توانایی مثبت شخص برای پاسخ دادن در شرایط تحت فشار به حساب آید (کارلا و پتروژیانیس^{۱۵}، ۲۰۱۸).

پژوهشگران با بررسی سیر زندگی افراد و قرار گرفتن آن‌ها در معرض ضربه و آسیب و تعدیل مثبت در نمونه‌های پرخطر به این نتیجه رسیدند که پیامدهای مهمی در کنار آمدن و سازگاری وجود دارد که تنها با تمرکز بر روی فرآیندهای ریسک و آسیب‌پذیری، به دست نیامده است. در ابتدا، چنین پدیده‌هایی را به‌عنوان آسیب‌ناپذیری یا مقاومت^{۱۶} در برابر استرس توصیف می‌کردند، اما بعدها محققان به اصطلاح تاب‌آوری متکی شدند تا به‌طور گسترده

-
1. Nichols, M. P.
 2. Dunn, C. R.
 3. crisis theory
 4. Merino, L., & et al.
 5. Shinall, J. B.
 6. Chanda, K., & Pujar, L.
 7. Ishak, D., & et al.
 8. perception of in competence
 9. Boon, C.
 10. Sayan Karahan, A.
 11. resilience
 12. Luthar, S. S.
 13. Masten, A. S., & Cicchetti, D.
 14. Lazarus, R. S.
 15. Karela, C., & Petrogiannis, K.
 16. resistor

به مطالعه توانایی‌ها، فرآیندها یا نتایج مربوط به سازگاری مطلوب در زمینه خطر و آسیب‌ها پردازند (ماستن^۱، ۲۰۱۸).

طبق نظریه سیستم‌ها، تاب‌آوری نظام‌ها در یک سطح به مقاومت نظام‌های متصل بستگی دارد. بنابراین، تاب‌آوری فردی، به نظام‌های دیگری که مستقیماً از تاب‌آوری آن فرد پشتیبانی می‌کنند، مانند پدر و مادر یا خانواده بزرگتر بستگی خواهد داشت. پیامد برجسته چارچوب نظام‌ها این است که تاب‌آوری را نباید به‌عنوان یک ویژگی منحصر به فرد یا پایدار تلقی کرد، زیرا این امر ناشی از فعل و انفعالاتی پویا است که شامل بسیاری از فرآیندهای درون‌نظامی و بین‌نظامی است (ماستن، ۲۰۱۵؛ مان^۲، ۲۰۱۵).

تاب‌آوری ممکن است با مفاهیم یا اصطلاحات دیگر روان‌شناختی از جمله رویارویی^۳، سلامت ذهنی مثبت^۴، توانش^۵، حتی مقاومت^۶، دچار اشتباه شود. برای روشن‌تر شدن بیشتر مفاهیم، کلینتون^۷ (۲۰۰۸) بیان کرد که تاب‌آوری برای آن دسته از رفتارهایی به کار می‌رود که از سازگاری و سازندگی با رویدادهای افسردگی‌زا برخوردار هستند (به نقل از احمدی، ۱۳۹۵). در پژوهشی که کاراگاتا^۸ و همکاران (۲۰۲۱)، مادران مجرد تاب‌آور را مورد مطالعه قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که این نوع مادران نه تنها استرس را کنترل می‌کنند و به کار خود ادامه می‌دهند، بلکه پیوسته در حال ایجاد و بررسی گزینه‌ها و راه‌حل‌های نوآورانه هستند. در نتیجه، آن‌ها فقط به فکر گذران زندگی نیستند، بلکه با سازگاری و تاب‌آوری مداوم با شرایط خود، مشکلات را به چالش می‌کشند و آن را تغییر می‌دهند و تلاش می‌کنند زندگی بهتری برای خود و فرزندانشان بسازند، خود را با تک والد شدن وفق می‌دهند و دائماً درباره بهترین راه‌حل و آنچه ممکن است برای فرزندانشان بهتر باشد، بحث می‌کنند و در تحقق اهداف خود نوآور هستند. در واقع طبق پژوهش‌ها، تاب‌آوری نه تنها می‌تواند از نظر اجتماعی و شغلی پیامدهای مطلوبی را به دنبال داشته باشد، بلکه روند زندگی روزمره مادران تنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاراگاتا و همکاران، ۲۰۲۱).

همان‌طور که اشاره شد، زنان بعد از طلاق از مشکلات زیادی رنج می‌برند و مستعد رویارویی با مشکلات روان‌شناختی هستند. این در حالی است، افرادی که دارای سطح بالایی از ثبات عاطفی و انعطاف‌پذیری هستند، از نظر روان‌شناختی پس از طلاق، سازگاری بهتری نسبت به شرایط دارند (پریگ چیلو^۹ و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهشی دیگر محققان به این نتیجه دست یافتند که مادران مجرد و مطلقه به‌طور خاص، تعدادی از عوامل محافظتی بیرونی از جمله اشتغال، اجتماع و دوستان را در ظرفیت‌های مختلفی در زندگی خود گنجانده‌اند. این در حالی است که عوامل منفی در مورد جامعه و همسران قبلی و برچسب‌هایی که به مادران مطلقه و مجرد متصل است، در زندگی آنان وجود دارد. با این حال مادران مجرد نوعی سازگاری مثبت و انعطاف‌پذیری برای ادامه زندگی خود و فرزندان از خود نشان دادند (لوتر و همکاران، ۲۰۰۰؛ چیزمن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸؛ هایکال و لاتیون، ۲۰۲۰).

-
1. Masten, A. S.
 2. Momm, A. R.
 3. encounter
 4. positive mental health
 5. his ability
 6. resistor
 7. Clinton, J.
 8. Caragata, L., & et al.
 9. Perrig-Chiello, P., & et al.
 10. Cheeseman, S., & et al.

آمار طلاق در ایران در حال افزایش است. بر اساس آماری که سازمان ثبت احوال کشور که در سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است آمار ازدواج به طلاق در سال از ۱/۷ در ۱۳۸۸ به ۲/۴ در سال ۱۳۹۴ و در سال ۱۳۹۸ به ۳ رسیده است. مقایسه تعداد ازدواج‌ها در سال ۱۳۹۸ نشان داد است که در کنار ۱۰۰۰ ازدواج، ۳۱۸ طلاق به ثبت رسیده است (ابراهیمی و محمدلو، ۱۴۰۰).

با وجود آن‌که زنان مطلقه دارای فرزند به پیامدهای طلاق آسیب‌پذیر هستند، روابط با سایر اعضای خانواده و همچنین داشتن فرزند می‌تواند منبع مهمی برای توانمندسازی آن‌ها باشد. تاب‌آوری به‌عنوان یک ویژگی و راهبرد مقابله با سختی‌ها گذار از این شرایط را آسان‌تر می‌کند. منابع فردی و محیطی که تاب‌آوری فرد را در برابر رویدادهای استرس‌زا افزایش می‌دهند، ممکن است عملکردی محافظ در زندگی آن‌ها داشته باشند (گرزانکوفسکا و همکاران، ۲۰۱۸).

مرور پژوهش‌های انجام شده در مورد تاب‌آوری زنان مطلقه نشان می‌دهد زنانی که طلاق گرفته‌اند قادرند تاب‌آوری خود را بالا برده و زندگی خود را بهبود ببخشند (هیگال و لاتیپون، ۲۰۲۰؛ تایلر و کانگر، ۲۰۱۷؛ ویلسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۶) و همچنین پژوهش‌های کمی و تجربی (بوش^۳، ۲۰۱۹؛ چن^۴ و همکاران، ۲۰۲۲) اهمیت تاب‌آوری در سلامت روان زنان مطلقه را به اثبات رسانده‌اند. در مطالعات داخلی گذشته عوامل مؤثر در سازگاری زنان طلاق گرفته، مورد بررسی قرار گرفته (آخوندی درزی، ۱۳۹۵ و یا ارائه الگوی سازگاری پس از طلاق در زنان (نظری‌فر، ۱۳۹۶) بررسی شده است. با این حال ماهیت و چگونگی تاب‌آوری آن‌ها هم با حضور فرزند از این زاویه در تحقیقات مورد بررسی قرار نگرفته است.

در مجموع می‌توان گفت با توجه به افزایش رشد طلاق در ایران، پژوهش‌ها از پیامدهای منفی آن بر سلامت جسمانی و روان شناختی زنان و کودکانشان حکایت دارد، اما تمرکز بیشتر این پژوهش‌ها به آسیب‌های طلاق، پیامدهای آن برای زنان مطلقه و فرزندانشان می‌باشد، اما توجه اندکی به نقش ظرفیت‌های مثبت روان‌شناختی مانند تاب‌آوری بر کاهش آسیب‌ها و پیامدهای منفی طلاق برای مادران سرپرست فرزند شده است. از طرفی طلاق و شرایط بعد از آن به‌طور کلی مقوله‌ای اجتماعی فرهنگی است. هر گونه برنامه‌ریزی برای کمک به سلامت روان زنان مطلقه سرپرست فرزند نیازمند کشف عمیق تجربه‌کنندگان این پدیده در آن بافت فرهنگی است. از آنجایی که تاب‌آوری نیز از باورهای فردی و عوامل اجتماعی فرهنگی تأثیر می‌پذیرد و از طرفی به‌عنوان یکی از روش‌های مقابله‌ای کارآمد برای کنار آمدن با پیامدهای منفی شرایطی مانند طلاق، توسط روان‌شناسان توصیه می‌شود، لازم است بافت و زمینه فرهنگی فرد در به کارگیری تاب‌آوری در نظر گرفته شود. لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند در یک نمونه از زنان مطلقه ایرانی بود، تا بتواند متناسب با بافت فرهنگی ایران زمینه طراحی مداخلاتی مؤثر برای زنان سرپرست فرزند را فراهم آورد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع بود که از دیدگاه زنان مطلقه و سرپرست فرزند چه عواملی موجب تاب‌آوری آنان بعد از طلاق شده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. جامعه پژوهش کلیه زنان تحت حمایت مراکز بهزیستی و کمیته امداد شهرستان فیروز آباد استان فارس در سال ۱۴۰۰ بود. به شیوه نمونه‌گیری هدفمند زنان مطلقه‌ای که ملاک‌های ورود حداقل سه سال از طلاق آن‌ها گذشته باشد، حداقل یک فرزند را داشته باشند،

1. Grzankowska, I. A., & et al..
2. Wilson, A. D., & et al.
3. Bush, M. K.
4. Chen, I. H., & et al.

حداقل سواد شناختی لازم برای در اختیار گذاشتن تجارب خویش داشته باشند، سرپرستی و مراقبت از فرزند را بر عهده آن‌ها بوده و در مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون ۱ (۲۰۰۳) (CD-RIS) نمره بالای ۵۰ گرفته باشند، برای شرکت در پژوهش حاضر انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا به حالت اشباع رسیدن نتایج ادامه یافت. با در نظر گرفتن این موضوع پس از مصاحبه و ثبت پاسخ‌های ۱۰ نفر داده‌ها را به اشباع رساند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و سوال‌های بازپاسخ همراه با سوال‌های پیگیرانه برای تشویق مشارکت کنندگان برای در اختیار گذاشتن تجارب خود استفاده شد. زمان و مکان مصاحبه‌ها توسط خود شرکت کنندگان تعیین شد. مصاحبه‌ها با چند سؤال کلی و باز با این مضمون که هنگامی که از همسر خود جدا شدید و سرپرستی فرزند را بر عهده گرفتید در ذهن شما چه می‌گذشت؟ چه چیزی در درون شما وجود داشت که باعث می‌شد با وجود مشکلات بعد از طلاق توان و تحمل شما بالا باشد؟ شروع و در ادامه برای کشف عمیق پدیده از سوالات پیگیرانه مانند "می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟" استفاده شد. مدت مصاحبه در این پژوهش بین ۷۰ تا ۵۰ دقیقه متغیر بود. با کسب اجازه از شرکت کنندگان برای بررسی دقیق‌تر مصاحبه‌ها ضبط شد. رضایت‌آگاهانه، ذکر محرمانه بودن اطلاعات، حق انصراف از پژوهش و استفاده کردن از اطلاعات بدون ذکر نام از مسائل اخلاقی رعایت شده در پژوهش حاضر بود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مطالعه، از رویکرد تحلیل مضمون (تماتیک ۲) استفاده شد. از این روش برای شناسایی و ارائه الگویی برای گزارش اطلاعات استفاده می‌شود. در این تحقیق مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تماتیک مطابق دیدگاه براون و کلارک (۲۰۰۶) صورت گرفت. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، روندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

طبق این روش بعد از مصاحبه، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها باید شش مرحله را طی کرد:

۱. نزدیک شدن به داده‌ها: مکتوب کردن داده‌ها، مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها و نوشتن ایده‌های اولیه
۲. تولید کدهای اولیه: محقق برای کدها چارچوب پیشنهاد داده و قالب اولیه مضامین را تعیین می‌کند، و متن را به بخش‌های کوچک‌تر تفکیک می‌کند
۳. جستجوی مضمون‌ها: محقق کدها را با قالب مضامین تطبیق داده و به استخراج کردن مضامین از بخش‌های کد گذاشته متن می‌پردازد.
۴. مرور و بازبینی مضمون‌ها: همخوانی مضامین با کدهای مستخرج بررسی می‌شود، مضامین مرتب، مضامین پایه انتخاب و سازماندهی می‌شود.
۵. تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها: مضامین تعریف و نام‌گذاری می‌شود، شبکه مضامین توسط محقق توصیف می‌شود.
۶. تهیه گزارش: محقق نتایج تحلیل را با سؤالات تحقیق و مبانی نظری مرتبط کرده و گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها ارائه می‌دهد.

1. Conner, K. M., & Davidson, J. R. T.

2. Content analysis

در این پژوهش به منظور قابلیت اعتماد به داده‌ها از چهار معیار ارائه‌شده توسط لینکلن و گوبا (۱۹۸۱) که شامل باورپذیری ۲، اطمینان‌پذیری ۳، تأییدپذیری ۴ و انتقال‌پذیری ۵، استفاده شد. به منظور افزایش معیار باورپذیری در این پژوهش، از اختصاص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها و ایجاد ارتباط صمیمانه و امنی با شرکت‌کنندگان استفاده شد. برای معیار اعتمادپذیری، داده‌ها در اختیار دو پژوهشگر کیفی دیگر قرار گرفت و کدگذاری و تحلیل داده‌ها به صورت مجزا انجام شد و نتایج حاصل با نتایج پژوهش حاضر شباهت بسیار زیادی داشتند. در معیار تأییدپذیری، می‌توان علاقه به مقوله مورد مطالعه و درگیر شدن با این موضوع را عنوان کرد. در نهایت برای معیار انتقال‌پذیری، نتایج در اختیار دو پژوهشگر قرار داده شد که آن‌ها نیز نتایج را تأیید کردند.

یافته‌ها

مشخصات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان مطلقه و سرپرست فرزند

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	مدت طلاق	تعداد فرزند
۱	۲۵ سال	دیپلم	قالی بافی	۳ سال	۱ فرزند دختر
۲	۳۱ سال	لیسانس	خیاطی	۵ سال	۲ فرزند پسر
۳	۳۶ سال	فوق لیسانس	معلم	۷ سال	۳ فرزند
۴	۲۴ سال	فوق دیپلم	فروشنده لباس	۳ سال	۱ فرزند پسر
۵	۴۰ سال	دیپلم	خانه دار	۶ سال	۲ فرزند دوقلو پسر
۶	۲۶ سال	لیسانس	حسابدار شرکت	۴ سال	۱ فرزند دختر
۷	۳۰ سال	دیپلم	خانه دار	۵ سال	۳ فرزند
۸	۳۵ سال	سوم راهنمایی	خیاطی	۴ سال	۲ فرزند دختر و پسر
۹	۳۲ سال	دیپلم	فروشنده مغازه	۳ سال	۱ فرزند دختر
۱۰	۲۶ سال	دبیرستان	خانه دار	۳ سال	۱ فرزند پسر

مصاحبه‌شوندگان این پژوهش ۱۰ نفر (۱۰ زن مطلقه) و میانگین سنی ۳۰ سال بودند. دامنه سنی مصاحبه‌شوندگان بین ۲۴ تا ۴۰ سال بود. دامنه تحصیلات از سیکل تا کارشناسی ارشد متغیر بوده و در مجموع ۱ نفر سیکل، ۱ نفر دبیرستان، ۴ نفر دیپلم، ۱ نفر فوق دیپلم، ۲ نفر لیسانس و ۱ نفر مدرک فوق لیسانس داشتند. وضعیت شغلی شرکت‌کنندگان نیز از خانه‌دار تا شاغل متفاوت بود. میانگین مدت زمان طلاق حدود ۴ سال محاسبه شد. شرکت‌کنندگان دارای یک، دو و یا سه فرزند بودند. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها پیرامون سوال شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری مصاحبه‌ها

مضمین اصلی	مضمین فرعی	مفاهیم
C ₁ C ₂ C ₃	خودتنظیمی شناختی	از یابی مجدد شناختی، برنامه‌ریزی مثبت، ارزیابی مجدد تجربه طلاق به صورت مثبت، هدفمندی، امید به آینده، امید به پیشرفت، مدیریت بحران، مثبت‌اندیشی، مهارت تصمیم‌گیری، تمرکز بر پیامدهای مثبت طلاق و رهایی از زندگی پرتنش
	خودتنظیمی رفتاری	فعال بودن، رویارو شدن با مشکلات، پرداختن به فعالیت‌هایی که حال فرد را بهتر می‌کند، سرگرم کردن خود، دنبال حمایت گشتن، اتکا به خود و مستقل شدن، رسیدگی به خود، شوخ‌طبعی
	راهبردهای معنوی-مذهبی	صبر و توکل، نماز و دعا، قرآن خواندن، اعتقاد به حکمت خداوند، زیارت و توسل

1. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S
2. credibility
3. dependability
4. conformability
5. transferability

مسئولیت پذیری، سازگار بودن، کمال گرایی، استقلال شخصی، پیشرفت گرایی، سخت کوشی، سرسختی، خودپنداره مثبت و عزت نفس	ویژگی‌های شخصیتی	
محبت خانواده، تعاملات خانوادگی، کمک اقتصادی خانواده، پذیرش شدن از طرف خانواده	حمایت خانواده	تربیت
مشاوره گرفتن از متخصص، حمایت و دلگرمی گرفتن از دوستان، حمایت گرفتن از موسسات حمایتی	حمایت اجتماعی	
احساس مسئولیت نسبت به فرزند، وقت گذاشتن با فرزند، مراقبت از فرزند، از خودگذشتگی و فداکاری برای فرزند	تمرکز بر نقش والدی	مربوط به فرزند
شوق نگهداری از فرزند، دل بستگی به فرزند، رضایت از حضور فرزند، انگیزه کار و فعالیت بیشتر بخاطر فرزند، فرزندپروری به عنوان رسالت جدید زندگی، التیام و محبت گرفتن از فرزندان	معنا آفرینی حضور فرزند	

نتایج به دست آمده از جدول نشان می‌دهد که نتایج در نهایت دارای ۳ مضمون اصلی است که در زیر به آن پرداخته شده است.

مضمون اصلی اول: عوامل فردی

یکی از عواملی که به تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند کمک کرده بود عوامل فردی بود. این مضمون شامل مضامین فردی خودتنظیمی شناختی و رفتاری، راهبردهای معنوی-مذهبی و ویژگی‌های شخصیتی بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش با اندیشی در مورد تجربه طلاق، امید به آینده و پیشرفت را در خود زنده نگهداشته و با مثبت اندیشی برای زندگی خود برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌کردند این توانمندی در خودتنظیمی شناختی به افزایش تاب‌آوری کمک می‌کند.

مشارکت‌کننده شماره (۵) که ۶ سال از طلاقش گذشته می‌گفت: «یه بیت شعری هست که همیشه آویزه گوشم می‌کنم. در ناامیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است. در این جمله کلا واضح من چه می‌گویم.» مشارکت‌کننده شماره (۸) که ۴ سال از طلاقش می‌گذشت بیان می‌کرد «از نظر خودم این شکست نیست تجربه است. به نظرم این تجربه باعث شد یاد بگیرم دفعه بعدی چطوری با هر مسئله‌ای که برابم پیش می‌آید برخورد کنم، تازه فهمیدم یک انتخاب اشتباه باعث نابودی یک زندگی می‌شود، همین باعث شد که سر هر چیزی تصمیم آنی نگیرم» (شرکت‌کننده ۸).

هم‌چنین شرکت‌کنندگان با منفعل نماندن، تلاش و کوشش برای غلبه بر مشکلات، رو پای خود ایستادن و سراغ برنامه‌های سرگرم‌کننده رفتن و خود را قبراق نگه داشتن به تاب‌آوری خود در این شرایط کمک کرده‌اند. مشارکت‌کننده ۲ در امر فعال بودن عنوان می‌کند: «بیشتر با پیاده روی افکارم آزاد می‌کنم به خصوص وقتی که ذهن مشغولی زیادی دارم و ذهنم به شدت درگیره با پیاده‌روی حالمو خوب می‌کنم». مشارکت‌کننده ۷ می‌گوید: «عاشق گل و گلکاری هستم با کمک داداشم یک گلخونه زدم. من از بچگی عاشق گل و سرسبزی بودم ولی بعد از ازدواج به خاطر زندگی توی آپارتمان و درگیر شدن بعد از ازدواج از علاقم دور شده بودم ولی بعد از طلاق تونستم به کمک برادرم یک گلخونه کوچک بزنم و گل بکارم.»

یکی دیگر از عوامل کمک‌کننده به تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند استفاده از راهبردهای معنوی-مذهبی بود. شرکت‌کنندگان با اعتقاد به مشیت‌الهی، پیشه کردن صبر و توکل، خواندن نماز و قرآن و حضور در مکان‌های مذهبی و توسل و زیارت تاب‌آورتر شده بودند. مشارکت‌کننده ۱۰ که ۳ سال از طلاقش گذشته یک فرزند دارد می‌گوید: «در زندگی فقط به خدا اعتماد دارم. این را تجربه کردم. هر وقت مشکل داشتم یا جایی گیر می‌کردم فوری به خدا توکل می‌کردم شک نداشتم که حل می‌شود». مشارکت‌کننده شماره ۷ که ۵ سال از طلاقش گذشته و سه فرزند دارد می‌گوید: «هر وقت دلم بگیرد می‌روم امامزاده علی. اینقدر به من آرامش می‌دهد که حد ندارد. وقتی هم خیلی به من فشار بیاد در حدی که نمی‌تونم خودم را کنترل کنم می‌روم به جایی مثل امامزاده علی چندساعت می‌نشینم آرام که شدم برمی‌گردم.»

هم‌چنین شرکت‌کنندگان پژوهش با اشاره به داشتن ویژگی‌های شخصیتی سازنده مانند سرسختی و سخت کوشی در روبرو با مشکلات خودپنداره مثبتی را تجربه می‌کردند و با مسئولیت‌پذیری استقلال شخصی خود را حفظ کرده و با شرایط سازگار می‌شدند. در این مورد مشارکت‌کننده ۳ می‌گوید: «همه تلاشم را می‌کنم تا به چیزی که بخوام برسم. من هیچ

وقت شکست رو قبول نمی‌کنم همه تلاش را می‌کنم تا به اون چیزی که بخواهم برسم.» شرکت‌کننده ۹ می‌گوید: «هر جا می‌رفتم برایم کار پیدا نمیشد ولی ناامید نمی‌شدم می‌گفتم بالاخره برای من کار هست. هر جور که شده کاری پیدا می‌کنم خداروشکر فروشنده یه مغازه شدم، به خودم گفتم دیدی نتیجه داد.»

مضمون اصلی دوم: عوامل حمایتی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند، عوامل حمایتی بود که شامل مضمون‌های فرعی حمایت خانواده و حمایت اجتماعی است.

حمایت و پشتیبانی خانواده مانند ابراز مهر و محبت و توجه به نیازهای عاطفی و مادی و تعاملات خانوادگی گرم به ادراک احساس پذیرش توسط خانواده منجر شده و به تاب‌آوری افراد شرکت‌کننده یاری رسانده است. مشارکت‌کننده ۶ که ۴ سال است طلاق گرفته و یک فرزند دارد می‌گوید: «پدرم همیشه هوای من را دارد. هر ماه مقداری پول برایم واریز می‌کند. نمی‌گذارد من و فرزندم کمبودی احساس کنیم فرزندم را پارک می‌برد و برایش وسیله می‌خرد» مشارکت‌کننده ۳ که سه فرزند دارد می‌گوید: «خداروشکر پدر و مادرم بالای سرم هستند و هوای من و بچه‌هایم را دارند مدام با خانواده ام تعامل و رفت و آمد دارم این رفت و آمدها واقعاً تو حال و روحیه بچه‌ها تأثیر خوبی گذاشته است.»

هم‌چنین پشتیبانی گرفتن از مؤسسات حمایتی، روی خوش نشان دادن و دلگرمی دادن دوستان و کمک گرفتن از مشاوران در مواقع ضروری باعث شد شرکت‌کنندگان در پژوهش ادراک حمایت اجتماعی داشته باشند و آن را از عوامل مهم کمک‌کننده به تاب‌آوری خود معرفی می‌کردند. شرکت‌کننده ۴ می‌گوید همین مؤسسه تا جایی که بتواند کمک می‌کند. مثلاً به زمان بود خیلی به پول نیاز داشتم نمی‌دونستم باید چه جور پول رو جور کنم. بنده خداها کمک کردند از کمیته وام بگیرم.» شرکت‌کننده ۶ می‌گوید «دوستهایم در زندگیم خیلی مؤثر بودند. خیلی کمک کردند حتی تشویق می‌کردند بروم بگردم مهمونی بروم، مسافرت بروم، اصلاً تنهایی نمی‌گذاشتند. به نظرم می‌شود در مشکلات رویشان حساب کرد. اگر کاری از پیشون بر بیاد مطمئنم دریغ نمی‌کنند.»

مضمون اصلی سوم: عوامل مربوط به حضور فرزند

سومین و آخرین مضمون اصلی در تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند، عوامل مربوط به حضور فرزند بود که شامل مضمون‌های فرعی تمرکز بر نقش والدی و معنا آفرینی حضور فرزند است.

به گفته زنان مطلقه سرپرست فرزند حضور فرزند در زندگی باعث شده آن‌ها به نقش خود به عنوان والد احساس مسئولیت بیشتری داشته، برای مراقبت و نگهداری از فرزندان خود هدفمندتر و با برنامه تر باشند، وقت بیشتری را با فرزندان بگذرانند و برای رشد و سلامت و موفقیت فرزندانشان هر فداکاری و گذشتی لازم باشد انجام دهند. مشارکت‌کننده ۳ با سه فرزند می‌گوید «برای بچه‌هایم خیلی وقت می‌گذارم که کمبود چیزی پیدا نکنند. کلاس‌های مختلفی آن‌ها را ثبت نام می‌کنم سعی می‌کنم از مادری چیزی برایشان چیزی کم نگذارم.» مشارکت‌کننده ۵ با داشتن دو فرزند می‌گوید «من بچه‌هایم را جوری بار آوردم که بتوانند گلیمشان رو از آب بیرون بکشند و از اینکه پیش من بودند ناراضی نباشند ولی خب اگه ببینم نبودن من باعث خوشبختی آن‌ها می‌شود جانم را فدایشان می‌کنم.»

هم‌چنین شرکت‌کنندگان بیان می‌کردند که حضور فرزند در زندگی بسیار رضایت‌بخش است و دلبستگی و تعلق خاطر به فرزندانشان شور و نشاط آن‌ها را بیشتر کرده و کار و فعالیت‌شان را با معناتر می‌کند. هم‌چنین مراقبت و رسیدگی به فرزند را رسالت جدید خود در زندگی می‌دانستند و تعاملات عاطفی با آن‌ها را آرام‌بخش و دلچسب گزارش می‌دادند. مشارکت‌کننده ۴ می‌گوید: «همین که پسرم پیش خودم هست برای من قوت قلب است. امید من است. شاید تنها چیزی که باعث می‌شود از گذشته‌ام راضی باشم همین بچه است، به من انگیزه می‌دهد.» شرکت‌کننده ۷ می‌گوید «بعد از طلاق اولش حس بدی داشتم که زندگی از این به بعد با حضور بچه‌ها خیلی سخت‌تر بشود ولی الان راضی هستم و حتی بچه‌هایم نور زندگیم شده‌اند.» شرکت‌کننده ۱۰ می‌گوید: «حضور بچه ام انگیزه ای هست که زندگیم بهتر از این بشود. باعث می‌شود از این

راکدی در بیایم. برای همه چیز بجنگم. وقتی تصورش می‌کنم لباس دامادی پوشیده اینقدر ذوق می‌کنم که حتی نم اشک تو چشمهایم می‌آید.»

بحث و نتیجه‌گیری

حضور فرزندان در زندگی زنان مطلقه که به تنهایی مراقبان اصلی فرزندان خود هستند موقعیتی فشارزا محسوب می‌شود. با این وجود پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاب‌آوری گذار زنان از این مرحله را تسهیل می‌کند. سؤال اصلی این پژوهش شناسایی عوامل کمک‌کننده به تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند بود. برای پاسخگویی به این سؤال و با تحلیل محتوایی مصاحبه‌های گرفته‌شده مجموع مضامینی استخراج شد که شامل ۳ مضمون اصلی و ۸ مضمون فرعی بود. یکی از مضامین شناسایی شده عوامل فردی بود که شامل مضامین فرعی خودتنظیمی رفتاری و شناختی، راهبردهای معنوی-مذهبی و ویژگی‌های شخصیتی بود. توانایی خودتنظیمی رفتاری یکی از مهم‌ترین عوامل حفاظتی در رابطه با تاب‌آوری است. در تبیین خودتنظیمی رفتاری به‌عنوان یک عامل مؤثر در تاب‌آوری زنان مطلقه با حضور فرزندان نشان می‌توان به این پرداخت که افراد با داشتن این دسته مهارت مقابله‌ای کارآمد، برای حل مسائل زندگی دست به کار می‌شوند و عملکردشان را براساس کارآمدی و رسیدن به هدف تنظیم می‌کنند. در حقیقت، این افراد استفاده از روش‌های تقویت و تنبیه‌انگیزه بخش و کنترل محیط از راهبردهای مؤثر این افراد محسوب می‌شود. پشتکار در جستجوی راه‌حل‌ها، شوخ طبعی و فعال نگه داشتن خود در شرایط دشوار زمینه ایجاد تاب‌آوری را فراهم می‌کند. همسو با این یافته طالبی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند هر چه اجتناب رفتاری مادران مجرد کمتر باشد، آن‌ها به‌صورت فعال‌تری بر مشکلات زندگی متمرکز شده و استرس روان شناختی کمتری را تجربه می‌کنند، استرس کمتر با تاب‌آوری بالاتر رابطه مثبت دارد. همچنین نظری‌فر (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که درگیر شدن در فعالیت‌های ورزشی و سرگرم‌کننده از عوامل سازگاری زنان مطلقه محسوب می‌شود.

در تبیین رابطه خودتنظیمی شناختی با تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند این نکته را می‌توان گفت مبتنی بر برخی پژوهش‌ها برخورداری از ظرفیت‌های شناختی مؤثر مانند بازاندیشی، تامل، هدف‌گذاری مجدد، مهارت تصمیم‌گیری، تحلیل پیامدها و در نظر گرفتن نتایج مثبت از عوامل مؤثر بر افزایش تاب‌آوری محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد زنان مطلقه و سرپرست فرزند با ارزیابی مجدد تجربه طلاق به‌صورت مثبت و رهایی از زندگی پرتنش زناشویی و هدف‌گذاری و سرمایه‌گذاری بر اهداف جدید تاب‌آوری بیشتری تجربه کرده‌اند. پژوهش کاراگاتا و سی‌واترز (۲۰۲۱) همسو با این پژوهش نشان داد که مادرانی که به تنهایی سرپرستی فرزند را بر عهده دارند با بازاندیشی در مورد شرایط خود و خلق روش‌های جدید کنار آمدن با شرایط جدید، شیوه مادرانه را توسعه داده‌اند که در آن خود را به صورت مداوم با شرایط سازگار کرده‌اند و دائماً در مورد بهترین حرکت خود و این‌که چه چیزی برای فرزندان‌شان بهتر است، بحث می‌کنند. بازاندیشی، حل مسئله و نوآوری در مورد شیوه کنار آمدن با شرایط، فرایند تاب‌آوری را تسهیل می‌کند. همچنین راولینز (۲۰۱۳) همسو با این یافته در تحقیق خود نشان داد داشتن دیدگاه مثبت به آینده یکی از منابع اصلی برای سازگاری و تاب‌آوری پس از طلاق محسوب می‌شود.

مورد دیگر عوامل فردی راهبردهای معنوی-مذهبی بود. این مورد شامل صبر و توکل، نماز و دعا، قرآن خواندن، اعتقاد به حکمت خداوند، زیارت و توسل که در همه افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به‌عنوان عامل تسهیل‌گر تاب‌آوری مطرح شد. در اکثر مصاحبه‌هایی که با زنان مطلقه صورت گرفت آنان بیان کردند که پس از طلاق به خدا نزدیک‌تر شدند و وجود خدا را در زندگیشان حس می‌کنند. زنان توکل به خدا و کسب آرامش را به‌عنوان یکی از علل برجسته تاب‌آوری یاد می‌کنند. این‌که فرد بعد از بروز اتفاق‌های آسیب‌زا خود را به دست خدا می‌سپارد و در مواجهه با مشکلات از خدا کمک بخواهد به‌طور مکرر در طول مصاحبه‌ها تکرار شد. در مورد منطبق این‌که چرا این مورد از عوامل کمک‌کننده تاب‌آوری

¹ Talib, J. A., & et al.

محسوب می‌شود می‌توان گفت داشتن باورهای مذهبی حین داشتن تجارب سخت زندگی از جمله طلاق باعث می‌شود افراد خداوند را به عنوان حامی در زندگی خود ببینند. وجود باورهای آرام بخش مذهبی در خانواده‌های ایرانی مانند امتحان الهی بودن مشکلات، ثواب داشتن صبر و توکل و الگو قرار دادن بزرگان دینی در مصایب و گرفتاری‌های زندگی به تاب‌آوری افراد کمک می‌کند. پژوهش‌های (نظری‌فر، ۱۳۹۶؛ راولینز، ۲۰۱۲) در خصوص عوامل مذهبی و معنوی در تسهیل‌گری سازگاری و تاب‌آوری بعد از طلاق با یافته فوق همسو می‌باشد.

مورد دیگر عوامل فردی ویژگی‌های شخصیتی بود که بر تاب‌آوری زنان مطلقه تأثیرگذار است، ویژگی‌های شخصیتی کمک‌کننده در این پژوهش شامل مسئولیت‌پذیری، سازگار بودن، کمال‌گرایی، استقلال شخصی، پیشرفت‌گرایی، سخت‌گوشی، سرسختی و خود‌پنداره مثبت است. زنان مطلقه تاب‌آور در این تحقیق اکثراً بر روی توانایی‌های شخصیتی خود اشاره داشتند. در تبیین این یافته می‌توان گفت زنان مطلقه با وجود این ویژگی‌های شخصیتی سازنده به سوی پیشرفت کردن و دوری از ناامیدی پیش می‌روند.

پژوهش‌های مختلف از نقش مؤثر ویژگی‌های شخصیتی در افزایش تاب‌آوری افراد حمایت می‌کند. به نظر می‌رسد داشتن ویژگی‌هایی مانند سرسختی، سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود افراد خود را در شرایط سختی مانند طلاق فعال نگه داشته و به جای منفعل ماندن و گیر افتادن در نشخوار فکری و منفی‌اندیشی بر اهداف دیگر زندگی متمرکز شده و از منابع درونی خود جهت کنار آمدن این شرایط کمک بگیرند همسو با این پژوهش راولینز (۲۰۱۳) در پژوهش خود ویژگی مسئولیت‌پذیری و خود‌پنداره را از عوامل اصلی تاب‌آوری زنان مطلقه گزارش داد. هم‌چنین راس و رایس (۱۹۸۶) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی باثبات افراد در تاب‌آوری و سازگاری با طلاق و مشکلات آن نسبت به متغیرهایی مثل سن، جنس و مدت زمان طلاق مهم‌تر است.

یکی دیگر از مضامین شناسایی شده عوامل حمایتی بود که مضامین فرعی حمایت خانواده و حمایت اجتماعی را شامل می‌شود. زنان مطلقه نحوه برخورد خانواده‌ها با خود و فرزندان‌شان را یکی از مهم‌ترین عوامل آرامش بخش خود گزارش دادند. در تبیین نقش حمایت خانواده بر تسهیل تاب‌آوری زنان مطلقه سرپرست فرزند می‌توان گفت به علت مذموم بودن طلاق از نظر شرع و عرف، این پدیده باعث می‌شود فرد مطلقه در خصوص واکنش و پیامدهایی که این موضوع برای اعضای خانواده به دنبال دارد نگرانی داشته و هیجانات ناخوشایندی را تجربه کند، پذیرش، حمایت و دلگرمی گرفتن از اعضای خانواده در این شرایط، توان افراد در پردازش مشکلات بعد از طلاق را افزایش داده و باعث می‌شود فرد با تکیه کردن به منابع دل‌بستگی اصلی خود آرامش و امنیت بیشتری را تجربه کند. طبق پژوهش‌ها نداشتن حمایت خانوادگی در شرایط بحران از عوامل زمینه‌ساز افسردگی و دیگر مشکلات عاطفی و تجربه احساس امنیت و دل‌بستگی امن با خانواده اصلی از منابع اصلی تاب‌آوری محسوب می‌شود به‌طور ویژه با حضور فرزند در زندگی پس از طلاق حمایت و پذیرش و همراهی اعضای خانواده نقش بیشتری بر آسودگی روان شناختی و به تبع تجربه تاب‌آوری فرد دارد. این یافته پژوهش حاضر در خصوص نقش حمایت خانواده به عنوان یکی از عوامل مهم تاب‌آوری با پژوهش‌های گذشته (نظری‌فر، ۱۳۹۶؛ هایکال و لاپیتون، ۲۰۲۰) هماهنگ است.

از دیگر عوامل حمایتی که باعث افزایش تاب‌آوری در زنان مطلقه سرپرست فرزند شده است حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی در پژوهش حاضر شامل مواردی از جمله مشاوره گرفتن از متخصص، استقلال مالی و کسب درآمد، حمایت و دلگرمی گرفتن از دوستان و حمایت گرفتن از مؤسسات حمایتی است. برای رسیدن به تاب‌آوری پس از طلاق ابراز احساسات و یاری گرفتن از دیگران (دوستان، همکاران، خانواده و مؤسسات حمایتی) برای حل مسائل پس از طلاق لازم است. در تبیین این یافته می‌توان گفت حمایت اجتماعی باعث شکل‌دهی روابط جدید و تازه، بازتعریف روابط پیشین با اطرافیان و احساس تعلق اجتماعی برای گذراندن دوره‌های بحرانی سال‌های اولیه پس از طلاق می‌شود. حمایت اجتماعی از زنان مطلقه سرپرست فرزند چه از نظر شرایط مالی و چه روانشناختی آن‌ها را به این باور می‌رساند که دوست داشتنی و مورد

¹ Rawlins, R. N.

احترام جامعه هستند و به شبکه‌ای از ارتباطات جامعه و تعهدات متقابل تعلق دارد. این باور دغدغه‌های آن‌ها در روبرو شدن با چالش‌های احتمالی را کاهش داده و با حس کارآیی و تاب‌آوری بیشتری همراه است. همچنین در گیر شدن مادران مطلقه در فعالیت‌های اجتماعی و ادراک پذیرش، حمایت و دلگرمی از دوستان ممکن است علائم افسردگی و اضطراب را کاهش داده و تاب‌آوری درونی آن‌ها را تقویت کند. نتیجه پژوهش در این زمینه با پژوهش‌های گذشته (نامداری و نوری، ۱۳۹۷؛ تایلر و کانگر، ۲۰۱۷؛ آخوندی درزی، ۱۳۹۵) در خصوص اهمیت حمایت اجتماعی بر افزایش تاب‌آوری مادران مطلقه همسو می‌باشد.

مضمون دیگر پژوهش حاضر عوامل مربوط به حضور فرزند بود. که شامل دو مضمون فرعی تمرکز بر نقش والدی و معنا آفرینی حضور فرزند می‌باشد. یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار تاب‌آوری در برابر مشکلات زنان مطلقه، داشتن حس مادری و حس مسئولیت نسبت به فرزندشان بود، تمرکز بر نقش والدی، احساس مسئولیت نسبت به فرزند، وقت گذاشتن با فرزند، مراقبت از فرزند، از خودگذشتگی و فداکاری برای فرزند را شامل می‌شد داشتن حس مادری و مسئولیت نسبت به فرزندشان باعث ارتقای آنان در تاب‌آوری شان شده است. در تبیین این یافته می‌توان به این موضوع پرداخت که حضور فرزند و حضانت آن برای زنان مطلقه، انگیزه‌ای برای بهبود شرایط روان‌شناختی و مالی ایجاد می‌کند. به گفته این زنان در مصاحبه، تمرکز بر نقش والدی باعث دور شدن آنان از خاطرات گذشته می‌شود و باعث می‌شود آنان با جان و دل تمام هدف و تمرکزشان را بر بزرگ شدن و زندگی بهتر فرزندشان معطوف کنند. به نظر می‌رسد مادرانی که به تنهایی فرزند خود را بزرگ می‌کنند پشتکار و سرسختی بالاتری از خود نشان داده و تلاش می‌کنند روابط دوستانه و حمایت‌گرایانه تری از فرزندان خود داشته باشند. تمرکز این مادران بر حمایت عاطفی، احساس صمیمیت و روابط دوستانه متقابل با فرزندان به افزایش احساسات مثبت در آن‌ها و تقویت تاب‌آوری کمک می‌کند. پژوهش‌هاشیم^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند مادرانی که به تنهایی از فرزندان خود مراقبت می‌کنند از نقش‌ها و وظایف مادری خود احساس رضایت داشته و استرس کمتری را گزارش می‌کنند. مادران با حضور فرزندانشان سطح بالایی از مقابله برای حل مشکلات و همچنین رضایت از زندگی را گزارش کردند.

از دیگر مواردی که همه زنان مطلقه در مصاحبه به آن به عنوان یک عامل قوی تاب‌آوری تأکید کرده بودند، حضور فرزندان در زندگی‌شان بود. مقوله معنا آفرینی حضور فرزند شامل مواردی همچون شوق نگهداری از فرزند، دلبستگی به فرزند، رضایت از حضور فرزند، انگیزه کار و فعالیت بیشتر به خاطر فرزند، فرزندپروری به عنوان رسالت جدید زندگی و محبت گرفتن از فرزندان است. در تبیین حضور فرزند و رضایت از این حضور به عنوان یکی از موارد تأثیرگذار تاب‌آوری می‌توان نتیجه گرفت که حضور فرزند در زندگی زنان مطلقه انگیزه‌ای برای ادامه زندگی ایجاد می‌کند و این حس که همه چیز در زندگی گذشته خود را از دست داده‌اند و فرزندانشان در کنارشان است احساس خرسندی و رضایت داشتند. زنان مطلقه تاب‌آور در این تحقیق که حضانت فرزندانشان را خودشان بر عهده گرفته بودند، اعتقاد داشتند که حضور فرزندان و داشتن آنان در کنارشان با وجود چالش‌هایی که به همراه دارد با معناترین و مهم‌ترین دلیل آن‌ها برای روبرو شدن و کنار آمدن با مشکلات زندگی محسوب می‌شود. باور زنان مطلقه سرپرست فرزند مبنی بر این‌که آن‌ها تکیه گاه اصلی فرزندانشان برای برآورده کردن نیازهای عاطفی و روبرو شدن با مشکلات زندگی هستند، شوق مراقبت از فرزندان و تلاش بیشتر آن‌ها را موجب شده و باعث می‌شود آن‌ها این نقش را به عنوان یکی از رسالت‌های اصلی زندگی خود تعریف کرده و برای ایفای هر چه بهتر این نقش منابع روان‌شناختی و اجتماعی خود را به کار گرفته و تاب‌آوری خود را افزایش دهند.

در نهایت در مقایسه با تحقیقات کیفی گذشته در زمینه عوامل مؤثر بر تاب‌آوری مادران مطلقه سرپرست فرزند می‌توان گفت این پژوهش برخی از نتایج تحقیقات گذشته را تکرار کرده است اما پژوهش حاضر مکمل پژوهش‌های گذشته است و به عوامل دیگری در مقایسه با تحقیقات گذشته دست یافته است، تمرکز بر نقش والدی و معنا آفرینی حضور فرزند در

¹ Hashim, I. H. M., & et al.

زندگی زنان مطلقه جنبه‌ای تازه دارد که در پژوهش‌های گذشته گزارش نشده است. به نظر می‌رسد در پژوهش حاضر در خصوص اهمیت حضور فرزندان در تجربه تاب‌آوری مادران سرپرست فرزند در مقایسه به پژوهش‌های گذشته کنکاش دقیق تری صورت گرفته است و این جنبه از تحقیق تازه و نوآورانه است. از نکات قابل توجهی که می‌توان از پژوهش حاضر برداشت کرد این است که فرهنگ و مذهب ایرانی برای مراقبت از فرزند در شرایط خاصی مانند طلاق گرفتن والدین ارزش بالایی قائل است به‌طور ویژه مادران در این زمینه احساس مسئولیت بالاتری را نشان می‌دهند و خیلی از مواقع به خاطر منافع فرزندانشان فداکاری و از خودگذشتگی بالایی نشان می‌دهند و حاضرند در مقابل سختی‌ها صبوری و سرسختی بالایی نشان دهند، لذا صرف حضور فرزند در زندگی آن‌ها می‌تواند از عوامل ایجادکننده تاب‌آوری در آن‌ها باشد.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر مادران و از محیط جغرافیایی خاصی انتخاب شدند. از این نظر ممکن است از لحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌های دیگر و به پدران دارای محدودیت باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر تکرار شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری پدران طلاق گرفته که سرپرستی فرزند را برعهده دارند شناسایی شود. از مضامین بدست آمده در پژوهش حاضر می‌توان برای آموزش به مادران سرپرست فرزند استفاده کرد. همچنین نتایج این پژوهش برای مشاوران و متخصصان این حوزه زمینه طراحی مداخلات اختصاصی افزایش تاب‌آوری مادران مطلقه سرپرست فرزند و بررسی اثربخشی آن را فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، لقمان و محمدلو، مریم. (۱۴۰۰). مرور نظام‌مند عوامل زمینه‌ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران. زن و جامعه، ۱۲ (۴۶)، ۱۶-۲۹.
- احمدی، سعید. (۱۳۹۵). تاب‌آوری، نظریه‌های آن و ویژگی‌های افراد تاب‌آور. سومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و آموزش و پرورش در ایران، تهران.
- آخوندی درزی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی کیفی عوامل مؤثر در سازگاری با شرایط پس از طلاق در زنان مطلقه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- نامداری، اکرم و نوری، نسیم (۱۳۹۷). نقش حمایت اجتماعی ادراک شده و تاب‌آوری در سازگاری پس از طلاق در زنان. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۹ (۱)، صص: ۲۵-۵۰.
- نظری‌فر، محسن. (۱۳۹۶). *ارایه الگوی سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه: یک تحقیق کیفی*. پایان‌نامه دکتری تخصصی مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
- نوروزی، مرضیه، حدیرنیا، احمد، و گل پیچ، زینب (۱۴۰۰). شناسایی فشارزاهای روان شناختی والدین زنان مطلقه. فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۶ (۵۶)، ۴۱-۶۵.

- Akgul Sarpkaya, O. (2013). BosanmisKadinlardatoplumsalbaskiyadirenmestratejileri: Van ornegi. *The Journal of International Social Research*, 6(26), 29-50.
- Blum, C. A. (2018). Concerns of the divorced women and impact on open health access. *Journal of Family Medicine Forecast*, 1(1), 1005-1007.

- Boon, C. (2005). *Women after divorce: Exploring the psychology of Resilience*. PhD Thesis Psychology, University of South Africa, Pretoria, Gauteng, South Africa.
- Bush, M. K. (2019). *A Quantitative Study of Perceived Life Satisfaction and Resilience in Divorced Women*. PhD Thesis Psychology, Grand Canyon University, Phoenix, Arizona, United States.
- Caragata, L., Watters, E., & Cumming, S. (2021). Changing the game: The continuous adaptation of resilient single mothers. *International Journal of Social Work and Human Services Practice*, 8(1), 1-10 .
- Chanda, K., & Pujar, L. (2018). Stress and psychological well-being among single parents. *International Journal of Pure and Applied Bioscience*, 6(4), 226-232.
- Cheeseman, S., Ferguson, C., & Cohen, L. (2011). The experience of single mothers: Community and other external influences relating to resilience. *Australian Community Psychologist*, 23, 32-49.
- Chen, I. H., Niu, S. F., Yeh, Y. C., Chen, I. J., & Kuo, S. F. (2022). Psychological distress among immigrant women who divorced: Resilience as a mediator. *Archives of Psychiatric Nursing*, 39, 1-6.
- Clinton, J. (2008). Resilience and recovery. *International Journal of Children's Spirituality*, 13(3), 213-222.
- Cobb, S. (1976). Social support as a moderator of life stress. *Psychosomatic Medicine*, 38(5), 300-314.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD- RISC). *Journal of Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- Demircioglu, N. S. (2000). *Boşanmanın çalışkan kadının statüsü ve stres kontrolü üzerine etkisi*. PhD Thesis Psychology, Ege Üniversitesi, İzmir.
- Dunn, C. R. (2015). *Young widows' grief: A study of personal and contextual factors associated with conjugal loss*. (PhD Thesis Psychology, Utah State University, Ann Arbor).
- Eyo, U. E. (2018). Divorce: Causes and effects on children. *Asian Journal of Humanities and Social Studies*, 6(5), 172-177.
- Gahler, M. (2006). To divorce is to die a bit...": A longitudinal study of marital disruption and psychological distress among Swedish women and men. *The Family Journal*, 14(4), 372-382.
- Grzankowska, I. A., Basińska, M., & Napora, E. (2018). The resilience of mothers and their job satisfaction: The differentiating role of single motherhood. *Social Psychological Bulletin*, 13(2), 1-19.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). *Effective evaluation*. Jossey-Bass, San Francisco.
- Haikal, M., & Latipun, L. (2020). The resilience of women who are divorced and choose to live with their children. *Psychology and Behavioral Sciences*, 9(4), 44-49.
- Hashim, I. H. M., Azmawati, A. A., & Endut, N. (2015). Stress, roles and responsibilities of single mothers in Malaysia. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 18, p. 03003). EDP Sciences.
- Ishak, D., Selvaratnam, D. P., & Idris, N. A. H. (2009). Issues and challenges faced by single mothers global environment changes. *Malaysian Economic National Proceedings*, 1, 324-336.
- Karela, C., & Petrogiannis, K. (2018). Risk and resilience factors of divorce and young children's emotional well-being in Greece: a correlational study. *Journal of Educational and Developmental Psychology*, 8(2), 68-81.
- Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and adaptation*. Oxford: Oxford University Press on Demand.
- Luthar, S. S. (2006). Resilience in development: A synthesis of research across five decades.
- Luthar, S. S., & Cicciolla, L. (2015). Who mothers mommy? Factors that contribute to mothers well-being. *Developmental Psychology*, 51, 1812-1823.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child development*, 71(3), 543-562.
- Masten, A. S. (2015). Pathways to integrated resilience science. *Psychological Inquiry*, 26(2), 187-196.
- Masten, A. S. (2018). Resilience theory and research on children and families: Past, present, and promise. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 12-31.

- Masten, A. S., & Cicchetti, D. (2016). Resilience in development: Progress and transformation. *Developmental Psychopathology*, 3 (4), 271-333.
- Masten, A. S., & Monn, A. R. (2015). Child and family resilience: A call for integrated science, practice, and professional training. *Family Relations*, 64(1), 5-21.
- Merino, L., Iriarte, L., Aguado, V., Corral, S., Cormenzana, S., & Martinez-Pampliega, A. (2017). A psycho-educational group program for divorced parents in Spain: A pilot study. *Contemporary Family Therapy*, 39(3), 230-238.
- Mohamad, Z., Husain, Z., Talib, J. A., Ramley, F., Dagang, M. M., Ab Raji, N. A., & Noor, M. M. (2019). The effectiveness of art therapy module on the well-being of single motherS. *Humanities & Social Sciences Reviews*, 7(1), 441-449.
- Nichols, M. P. (2010). *Family therapy concepts and methods* (9 th ed.). Boston: Pearson Education.
- Özar, Ş., & Yakut-Çakar, B. (2012). Aile, devletvepiyasakıskacındaboşanmışkadınlar. *KültürveSiyasette Feminist Yaklaşımlar*, 16, 1-12.
- Perrig-Chiello, P., Hutchison, S., & Morselli, D. (2015). Patterns of psychological adaptation to divorce after a long-term marriage. *Journal of Social and Personal Relationship*, 32(3), 386-405. doi: 10.1177/0265407514533769.
- Pirak, A., Negarandeh, R., &Khakbazan, Z. (2019). Post-divorce regret among Iranian women: a qualitative study. *International journal of community based nursing and midwifery*, 7(1), 75-89.
- Rawlins, R. N. (2012). *African/Caribbean-Canadian women coping with divorce: Family perspectives*. Doctor of Education Graduate Department of Adult Education and Counselling Psychology, University of Toronto, Canada.
- Sancaklı, D. (2014). *Boşanmışannelerinveçocuklarınınboşanmasürecineilişkinyaşantıları*. MA Thesis Psychology, MaltepeUniversitesi, SosyalBilimlerEnstitüsü.
- Sayan Karahan, A. (2012). *Boşanmasonrasyaşamauyum*. PhD Thesis Psychology, HacettepeÜniversitesi, Ankara.
- Shinall, J. B. (2019). Settling in the shadow of sex: Gender bias in marital asset division. *Cardozo Law Review*, 40(4), 1857-1912.
- Siti Rafiah, A. H., & Sakinah, S. (2013). Exploring single parenting process in Malaysia: Issues and coping strategies. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 84, 1154-1159.
- Talib, J. A., Mohamad, Z., Ab Raji, N. A., Husain, Z., Raba'AtonAdawiah Mohd Yusof, F., Ramley, M. M. D., & Noor, M. M. (2020). Coping, resilience and stress among single mothers in terengganu. malaysia. *International Journal of Management*, 11(6), 1859-1871.
- Taylor, Z. E., & Conger, R. D. (2017). Promoting strengths and resilience in single-mother families. *Child development*, 88(2), 350-358.
- Wilson, A. D., Henriksen Jr, R. C., Bustamante, R., & Irby, B. (2016). Successful Black men from absent-father homes and their resilient single mothers: A phenomenological study. *Journal of Multicultural Counseling and Development*, 44(3), 189-208.